

مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲

آمنه گنجیان^۱، زهرا مردانی^{۲*}، زهرا ذاکری نصرآبادی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: صمیمیت در روابط زناشویی به عنوان یک الگوی رفتاری بسیار مهم مفهوم سازی شده که جنبه های عاطفی، هیجانی و اجتماعی نیرومندی دارد و بر پایه پذیرش، رضایت خاطر و عشق شکل می گیرد. پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل معادلات ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی، با نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر انجام شده است.

روش: این مطالعه به روش توصیفی-همبستگی و با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری انجام گرفت. جامعه آماری شامل زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان نورآباد لرستان بود. حجم نمونه پژوهش ۲۳۹ بود که به صورت داوطلبانه به پرسش نامه های تمایزیافتگی اسکورون و اسمیت (۱۹۹۸)، کیفیت رابطه با خانواده همسر چراغی (۱۳۹۳)، صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر (۱۹۸۳) و تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) پاسخ دادند. داده ها با Smart PLS و SPSS-22 مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد، متغیر تحمل پریشانی ۱۷ درصد و تمایزیافتگی ۲۱ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می کنند. همچنین، تحمل پریشانی به صورت غیرمستقیم و از طریق کیفیت رابطه با خانواده همسر ۱۰ درصد و تمایزیافتگی ۵ درصد از تغییرات صمیمیت زناشویی را تبیین می نمایند. تمایزیافتگی با اثر مستقیم ($\beta = 0.209$)، غیرمستقیم ($P < 0.05$)، $\beta = 0.110$ و اثر کل معنادار ($\beta = 0.320$) و تحمل پریشانی نیز با اثر مستقیم ($\beta = 0.169$)، غیرمستقیم ($P < 0.05$)، $\beta = 0.167$ ، $P < 0.05$ و اثر کل معنادار ($\beta = 0.336$) بر صمیمیت زناشویی تأثیر گذار بودند.

نتیجه گیری: این نتایج نشان می دهند که هر دو متغیر تحمل پریشانی و تمایزیافتگی تأثیر معناداری بر صمیمیت زناشویی دارند و کیفیت رابطه با خانواده همسر نیز در این تأثیرات نقش واسطه ای مهمی ایفا می کند. بنابراین، بهبود صمیمیت زناشویی در زنان متأهل نیازمند تقویت مهارت های تحمل پریشانی، تمایزیافتگی و ارتقای کیفیت رابطه با خانواده همسر است.

کلمات کلیدی: تحمل پریشانی، تمایزیافتگی، زنان متأهل، صمیمیت زناشویی، کیفیت رابطه با خانواده همسر، مدل معادلات ساختاری.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: mardanipnu@pnu.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



Developing a Structural Model of Marital Intimacy Based on Distress Tolerance and Differentiation: The Mediating Role of Quality of Relationship with In-Laws in Married Women Attending Counseling Centers

Received: 2025/01/03

Accepted: 2025/05/23

Ameneh Ganjian¹, Zahra Mardani^{2*}, Zahra Zakeri Nasrabadi³

Original Article

Abstract

Introduction: Marital intimacy is a multifaceted construct encompassing emotional, affective, and social dimensions, rooted in acceptance, satisfaction, and love. This study develops a structural model of marital intimacy based on distress tolerance and differentiation, examining the mediating role of the quality of relationships with in-laws among married women seeking counseling.

Method: Using a descriptive-correlational design and structural equation modeling, this study included 239 married women from counseling centers in Nourabad County, Lorestan Province. Participants completed the Differentiation of Self Inventory (Skowron & Smith, 1998), the Quality of Relationship with In-Laws Questionnaire (Cheraghi, 2014), the Marital Intimacy Scale (Thompson & Walker, 1983), and the Distress Tolerance Scale (Simons & Gaher, 2005). Data were analyzed using SPSS-22 and Smart PLS.

Results: Distress tolerance accounted for 17% and differentiation of self for 21% of the variance in marital intimacy. Additionally, distress tolerance indirectly explained 10% of marital intimacy through relationship quality with in-laws, while differentiation of self contributed 5%. Both constructs had significant direct, indirect, and total effects on marital intimacy (differentiation: $\beta = 0.209, 0.110, 0.320$; distress tolerance: $\beta = 0.169, 0.167, 0.336$; all $p \leq 0.05$).

Conclusion: The findings highlight the significant roles of distress tolerance and differentiation in marital intimacy, with relationship quality with in-laws serving as a key mediator. Interventions aimed at enhancing these factors may improve marital intimacy in married women attending counseling centers.

Keywords: Marital Intimacy, Distress Tolerance, Differentiation of Self, Married Women, In-Law Relationship Quality, Structural Equation Modeling.

1. M.A. Student, Department of Counselling, Payame Noor University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran. *Corresponding Author: mardanipnu@pnu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

مقدمه

ازدواج به عنوان نهاد بنیادی انسانی شناخته می‌شود و یک ازدواج موفق، پایه‌گذار خانواده‌ای شاد و پایدار است. از این رو، بسیاری از افراد یکی از اهداف اصلی ازدواج خود را برقراری رابطه‌ای صمیمانه با همسر قرار می‌دهند (پنگ‌پید، پلتز و آنانتاناسوونگ^۱، ۲۰۲۴).

صمیمیت زناشویی^۲ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در ایجاد و تداوم روابط پایدار میان زوجین به شمار می‌رود و تأثیر عمیقی بر کیفیت زندگی مشترک دارد (شاهرخی، فرامرزی و قلی‌نیا، ۲۰۲۴). این مفهوم به عنوان یک نیاز بنیادین انسانی در روان‌شناسی بالینی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و در جنبه‌های مختلف روان‌شناختی و اجتماعی بررسی شده است (کمالی، الهیار، استوار، الحیشی و گریفیث، ۲۰۲۰). صمیمیت در رابطه زناشویی یک فرآیند تعاملی است که بر درک، همدلی و قدردانی از جهان‌بینی منحصر به فرد شریک زندگی متمرکز است و تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند مدت زمان ازدواج^۳، سبک‌های ارتباطی^۴، توانایی مدیریت مشترک استرس‌های روزمره، تعهد^۵ و کیفیت رابطه با خانواده همسر^۶ قرار دارد (کمالی و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاردان سورکی، خانی، حمزه‌گردشی و محمدپور، ۲۰۱۸؛ کاستر و همکاران^۷، ۲۰۱۵؛ وارینگ، مک‌الراث، لفقو و وایس^۸، ۱۹۸۱؛ برایانت، کانگر و میهان^۹، ۲۰۰۱؛ فیوری، راور، بردیت، براون و اوربوخ^{۱۰}، ۲۰۲۰). صمیمیت زناشویی شامل خودآشنایی، به اشتراک گذاری تجربیات درونی و ایجاد احساس نزدیکی با همسر می‌شود (بیرامی و آژیده، ۲۰۲۵). اسمیت^{۱۱} (۲۰۱۹) این مفهوم را متشکل از نه بعد اساسی شامل صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، فیزیکی، معنوی، زیباشناختی، اجتماعی و تفریحی می‌داند. طبق مدل فرایند بین‌شخصی، صمیمیت زمانی به وقوع می‌پیوندد که افراد احساسات خود را با شریک زندگی خود در میان بگذارند و در پاسخ، احساس درک شدن را تجربه کنند (ریس^{۱۲}، ۲۰۱۷). روابط زناشویی به عنوان یکی از ارکان اساسی تشکیل خانواده، زمینه‌ساز ایجاد صمیمیت، امنیت، عشق و تجارب مثبت مشترک است. در عین حال، این روابط می‌توانند به منبع تهدیدات و فقدان‌ها تبدیل شوند و حالات روان‌شناختی ناخوشایندی مانند اضطراب، گناه، خشم و غم را در افراد برانگیزند (شهاب‌آبادی، ۱۴۰۰). زوجها زمانی در بهترین وضعیت خود قرار دارند که اولویت‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر را درک کنند، فرصت‌هایی برای دستیابی به اهداف فردی فراهم آورند و از یکدیگر مراقبت کنند (لاگاردیا و پاتریک^{۱۳}، ۲۰۰۸). هنگامی که نیازهای روان‌شناختی زوجین برآورده می‌شود، عزت نفس بالاتر، احساس سرزندگی بیشتر و عواطف مثبت بیشتری تجربه می‌شود، در حالی که عواطف منفی کاهش می‌یابند (پاتریک، نی، کانولو و لانسبری^{۱۴}، ۲۰۰۷). وجود صمیمیت میان همسران منجر به افزایش رضایت زناشویی شده و توانایی آن‌ها را در مواجهه با چالش‌ها و تغییرات رابطه تقویت می‌کند (فرهادی، صالحین، آقاییان، کرامتی و طالبی، ۱۳۹۹؛ جوادی‌والا و همکاران، ۲۰۱۹). زوج‌های ناسازگار و دارای تنش، میزان کمتری از صمیمیت، نزدیکی و محبت را نسبت به یکدیگر ابراز می‌کنند. این فقدان صمیمیت یکی از عوامل کلیدی در بروز خیانت زناشویی است، چرا که افراد برای تجربه مجدد صمیمیت

1. Pengpid, Peltzer, Anantanasuwong
2. Marital intimacy
3. Duration of Marriage
4. Communication Styles
5. Commitment
6. Quality of Relationship with In-Laws
7. Kuster et al
8. Waring, McElrath, Lefcoe, Weisz
9. Bryant, Conger, Meehan
10. Fiori, Rauer, Birditt, Brown, Orbach
11. Smith
12. Reis
13. La Guardia & Patrick
14. Patrick و Knee, Canevello, Lonsbary

شخصی و جنسی تلاش می‌کنند (اوه و هانگ^۱، ۲۰۱۸). کاهش صمیمیت زناشویی می‌تواند منجر به سرخوردگی در رابطه شود که پیامدهای نامطلوبی برای سلامت روانی و جسمانی افراد دارد (هالفورد^۲، ترجمه تبریزی و کاردانی، ۱۳۹۵). همچنین با توجه به اهمیت صمیمیت زناشویی در رضایت از زندگی مشترک، نبود صمیمیت می‌تواند یکی از دلایل اصلی طلاق باشد و موجب تضعیف اعتماد متقابل و کاهش عشق و علاقه میان زوجین باشد که در نهایت به بروز آسیب‌های هیجانی، انزوای عاطفی، ناسازگاری زناشویی و نارضایتی منجر خواهد شد (بولیو، برژرون، براسارد، بیروز و پولکین^۳، ۲۰۲۳).

تحمل پریشانی^۴ نیز نقش کلیدی در روابط زناشویی و سلامت روان دارد. سطوح بالاتر تحمل پریشانی با سلامت روان بهتر و رضایت زناشویی بیشتر همراه است (رئوف فاطیما ومشتاق^۵، ۲۰۲۳). سیمونز و گاهر^۶ (۲۰۰۵) تحمل پریشانی را به‌عنوان توانایی ادراک‌شده فرد برای تجربه و تحمل حالت‌های هیجانی منفی و توانایی ادامه رفتارهای معطوف به هدف در زمان پریشانی عاطفی تعریف کرده‌اند (کراتوویچ و وینوویچ^۷، ۲۰۲۱). در بُعد جسمانی و رفتاری، تحمل پریشانی به توانایی تحمل حالت‌های فیزیولوژیکی ناخوشایند اشاره دارد (رمضانی فرد، ۱۳۹۷). تحقیقات نشان می‌دهند که مشکلات ناشی از منابع خارجی مانند مشکلات کاری یا مالی می‌توانند به روابط فردی منتقل شوند و تنش‌ها را در روابط زناشویی افزایش دهند (پیتروموناکو و اورال^۸، ۲۰۲۲؛ دیونیزی و بارلینگ^۹، ۲۰۱۵؛ وینوکور، پرایس و کاپلان^{۱۰}، ۱۹۹۶). در چنین شرایطی، زوجین ممکن است مشکلات بیشتری را در رابطه خود احساس کنند و شریک زندگی خود را بیشتر سرزنش کنند (نف و کارنی^{۱۱}، ۲۰۰۴). در این زمینه، سطح بالای تحمل پریشانی می‌تواند تأثیر منفی این مشکلات را کاهش دهد، زیرا این ویژگی به افراد کمک می‌کند تا استرس‌های بیرونی را بهتر تحمل کنند و از نظر هیجانی برای برآورده کردن نیازهای شریک زندگی خود در دسترس باشند. در واقع، سطوح بالاتر تحمل پریشانی، مشابه استراتژی‌های تنظیم هیجان سازگارانه مانند ارزیابی مجدد، می‌تواند باعث افزایش باز بودن بین‌فردی، ابراز هیجانی و تقویت واکنش‌های مثبت در رابطه شده و در نهایت صمیمیت زناشویی را افزایش دهد (دورلی، کشدان، الکساندر، بلالاک و مک‌نایت^{۱۲}، ۲۰۱۹). افرادی که احساسات منفی خود را سرکوب می‌کنند، تمایل کمتری به ابراز احساسات مثبت و منفی در روابط زناشویی دارند که این امر مانع شکل‌گیری ارتباطات عمیق می‌شود. در مقابل، کسانی که احساسات منفی خود را از طریق ارزیابی مجدد تنظیم می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که احساسات خود را با شریک زندگی‌شان در میان بگذارند و در نتیجه، صمیمیت بیشتری را تجربه کنند (عبدی و صادقی، ۱۴۰۳). به این ترتیب، آن‌ها نه تنها از مزایای روان‌شناختی رابطه بهره‌مند می‌شوند، بلکه فضای عاطفی مناسبی برای پاسخ به نیازهای روان‌شناختی طرف مقابل و ایجاد رابطه‌ای صمیمانه و سازنده فراهم می‌آورند.

تمایز یافتگی خود^{۱۳} یکی از جنبه‌های مهم رضایت زناشویی در زوجین محسوب می‌شود (محمدی و علی‌بخشی، ۲۰۲۱). بوئن^{۱۴} تمایز یافتگی را به‌عنوان عنصری اساسی در عملکرد هیجانی و شناختی در روابط انسانی مورد تأکید قرار می‌دهد. این مفهوم به توانایی فرد در ایجاد تعادل میان فرآیندهای هیجانی و شناختی اشاره دارد، به‌گونه‌ای که امکان حفظ استقلال فردی را در عین

1. Oh & Hwang
2. Halford
3. Beaulieu, Bergeron, Brassard, Byers, Pélouquin
4. Distress Tolerance
5. Rauf, Fatima, Mushtaq
6. Simmons and Gaher
7. Kratovic & Vujanovic
8. Pietromonaco & Overall
9. Dionisi & Barling
10. Vinokur, Price, Caplan
11. Neff & Karney
12. Doorley, Kashdan, Alexander, Blalock, McKnight
13. Self-Differentiation
14. Bowen

ایجاد پیوندهای عمیق با دیگران فراهم می‌کند (از بروان و اریگتون^۱، ۲۰۲۴). تمایز یافتگی دارای دو لایه متضاد است: لایه درون‌فردی و لایه برون‌فردی. کشمکش میان این دو لایه موجب اضطراب می‌شود؛ از این رو، شناخت و تنظیم این سطوح برای دستیابی به تعادل روانی-اجتماعی ضروری است. لایه درون‌فردی به معنای تفکیک سازه‌های عقلی از احساسی و لایه برون‌فردی به معنای توانایی تجربه خودمختاری در بستر صمیمیت و روابط بین‌فردی مؤثر است (کاظمی، نعمتی، یادگاری و عبدوس، ۱۴۰۱). در زندگی زناشویی، تمایز مؤثر نقش حیاتی در مدیریت هم‌زمان صمیمیت و استقلال ایفا می‌کند و در نهایت به رضایت زناشویی کمک می‌نماید. بر اساس نظریه بوئن، تمایز یافتگی، زیربنای پذیرش دو طرفه در ازدواج و شکل‌گیری صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کند (پلگ، کوهن و کاتز^۲، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نیز رابطه معناداری بین خودتمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی گزارش کرده‌اند (فینزی-دوتان^۳، ۲۰۲۳؛ رافضی و صبوری، ۱۴۰۱؛ اسکورون، استنلی و شاپیرو^۴، ۲۰۲۰؛ صبوری، ۱۴۰۱؛ رودریگز گونزالس و همکاران^۵، ۲۰۱۶). انتظار می‌رود که همسرانی که در زمان ازدواج از سطح بالایی از تمایز یافتگی برخوردارند، بتوانند تفاوت‌های عقیدتی یکدیگر را تحمل کنند، واکنش‌های هیجانی کمتری نشان دهند و شرایط لازم برای ایجاد یک رابطه صمیمانه و پایدار را فراهم سازند (تیمان و همکاران، ۱۴۰۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تمایز یافتگی بالا با صفات شخصیتی مثبتی همچون وجدان‌گرایی، ثبات هیجانی و خودآگاهی همبستگی دارد. زوج‌های برخوردار از این مؤلفه‌های شخصیتی مثبت، در مواجهه با تعارض‌های زناشویی، آسیب کمتری دریافت می‌دارند (عسگرزاده، برهانی، حجتی، علی‌دستان نیایی و برادران، ۱۴۰۳) و با حفظ مرزهای شخصی و گفت‌وگوی منطقی، در کاهش آسیب‌های روانی همسرشان هم نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

ارتباط با خانواده همسر نیز یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند بر صمیمیت زناشویی تأثیر بگذارد (جون^۶، ۲۰۲۰؛ فیوری^۷ و همکاران، ۲۰۲۰؛ سریوویچ، هازمر، بالارد و گریفن^۸، ۲۰۰۸). داشتن رابطه‌ای مثبت و حمایتی با خانواده همسر می‌تواند به تقویت احساس امنیت و افزایش صمیمیت بین زوجین منجر شود، در حالی که درگیری‌ها و تنش‌ها با خانواده همسر ممکن است باعث افزایش استرس و کاهش صمیمیت زناشویی شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کیفیت روابط با خانواده همسر مستقیماً با رضایت زناشویی و صمیمیت ارتباط دارد (مارکر^۹، ۲۰۲۵؛ توکل، مقدم، نصرآبادی، صالحی‌نیا و رضایی، ۲۰۱۷؛ صمدایی-گله‌کلایی و همکاران، ۲۰۱۶). داشتن روابط قوی‌تر و حمایتگرانه‌تر با والدین همسر، به ویژه مادرشوهر و پدرشوهر، می‌تواند به افزایش احساس امنیت و همبستگی در زندگی زناشویی منجر شود و سطح بالاتری از رضایت را در بین زوجین به وجود آورد (دانیسمن^{۱۰}، ۲۰۲۲). همچنین، داشتن مرزهای سالم میان زوجین و خانواده‌های آنان نیز یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ صمیمیت در زندگی زناشویی است. زوج‌هایی که قادرند حد و مرزهای مشخص و شفاف با خانواده همسر خود ایجاد کنند، به نوعی از صمیمیت و استقلال بیشتر در روابط خود دست می‌یابند و ایجاد مرزهای سالم میان زوجین و خانواده‌های همسر می‌تواند به جلوگیری از دخالت‌های نابه‌جا و حفظ صمیمیت زناشویی کمک کند (سریوویچ و همکاران، ۲۰۰۸). زوج‌هایی که توانایی مدیریت روابط با خانواده همسر را دارند و در عین حال مرزهای استقلال خود را حفظ می‌کنند، معمولاً از رضایت و ثبات بیشتری در رابطه برخوردارند. از سوی دیگر، نفوذ بیش از حد خانواده‌ها در زندگی شخصی زوجین، به‌ویژه در مسائل حساس، می‌تواند باعث ایجاد تنش و کاهش رضایت زناشویی شود. محققان معتقدند که ایجاد تعادل میان ارتباط با خانواده همسر و حفظ استقلال زناشویی، یکی از راهکارهای مؤثر در افزایش صمیمیت و

1. Brown & Errington
2. Peleg, Cohen, Katz
3. Finzi-Dottan
4. Skowron, Stanley, Shapiro
5. Rodríguez-González
6. Jeon
7. Fiori
8. Serewicz, Hosmer, Ballard & Griffin
9. Marker
10. Danışman

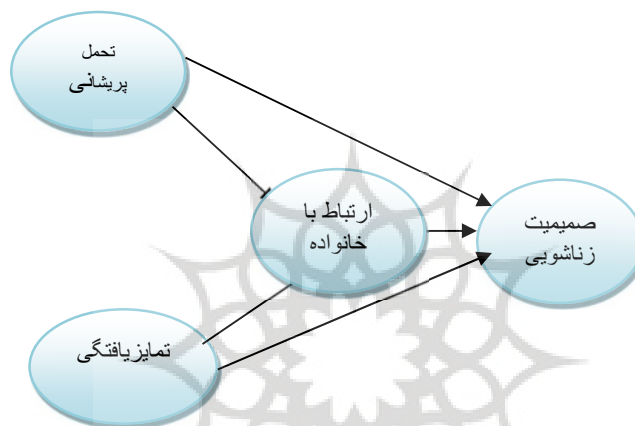
پایداری روابط زناشویی است (سان لیونگ و جوهری^۱، ۲۰۲۱؛ هاتفیلد و راپسون^۲، ۱۹۹۳). همچنین، تماس بیش از حد با خانواده همسر ممکن است تأثیر منفی بر صمیمیت زناشویی داشته باشد (نگ و دوزا^۳، ۱۹۸۸)، و به ویژه بر ثبات ازدواج تأثیر بگذارد، به‌خصوص اگر والدین از انتخاب پسرشان برای همسر ناراضی باشند (جوهر اوغلو و توتارل کیشلک^۴، ۲۰۲۳؛ العطار و الجیبالی^۵، ۲۰۱۴ و بوث و ادواردز^۶، ۱۹۹۲). زوجها اغلب گزارش می‌دهند که روابط با خانواده همسر یکی از بزرگترین منابع تعارض در زندگی زناشویی آن‌ها است (ویلیامسون، هانا، لاونر، بردبری و کارنی^۷، ۲۰۱۳). با این حال، روابط با خانواده همسر که از حمایت بیشتر و کیفیت بهتری برخوردار هستند، می‌توانند از نزدیک‌ترین روابط افراد باشند (سانتوس و لوویت^۸، ۲۰۰۷) اما حتی این نزدیکی هم ممکن است خطراتی برای زوجین به همراه داشته باشد، به ویژه اگر این نزدیکی به طور نامتعادل بین خانواده‌های اصلی (پدر و مادر زن و شوهر) تقسیم شود. به عنوان مثال، زوج‌هایی که بیشتر به خانواده زن نزدیک هستند، به نظر می‌رسد که در معرض خطر بیشتری کاهش کیفیت زناشویی قرار دارند (فیوری و همکاران^۹، ۲۰۲۰). با این حال، تحقیقات نشان می‌دهند که اگر همسران در مورد روابط با خانواده همسر به توافق برسند، این روابط می‌تواند کمتر برای ازدواج مضر باشد. به عنوان مثال، پژوهش پاسلی، ایهیگر-تالمن و کولمن^{۱۰} (۱۹۸۴) بیان می‌کند که زوج‌های خوشحال‌تر معمولاً در مسائل خانوادگی، به ویژه در رابطه با خانواده‌های گسترده، بیشتر به توافق می‌رسند. به علاوه، اختلاف نظر درباره نقش خانواده‌های گسترده (مانند مسئولیت‌های فرزندی) با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است، به‌ویژه برای مردان (پولنیک، سیدل، بریدیت، زریت و فینگرمن^{۱۱}، ۲۰۱۷). برخی شواهد حاکی از آن است که زوج‌هایی که در مورد مسائل مرتبط با خانواده همسر (مانند انگیزه‌های مادرشوهر برای اظهارنظرهای آزاردهنده) به توافق می‌رسند، سطح بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند (ریتنور و کلاس^{۱۱}، ۲۰۱۵). در پژوهش فیوری و همکاران (۲۰۲۱) بر خلاف انتظار، نتایج نشان داد که نه گزارش‌های مستقیم زوجین درباره ارتباطات با خانواده همسر (مانند زمان سپری شده یا میزان نزدیکی)، بلکه اختلاف نظر بین زوجین در این خصوص، به ویژه در مورد میزان نزدیکی شوهر به خانواده زن، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای طلاق بود. این یافته حاکی از آن است که توافق زوجین در مورد کیفیت روابط با خانواده همسر، فارغ از ماهیت مثبت یا منفی این روابط، اهمیت بیشتری نسبت به ماهیت خود روابط دارد.

در ایران، خانواده‌ها معمولاً پیوندهای عاطفی عمیقی با یکدیگر دارند که حتی با گذر زمان یا فاصله جغرافیایی هم کاهش نمی‌یابد. کیفیت رابطه با خانواده همسر یکی از عوامل کلیدی در موفقیت زناشویی در این فرهنگ است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که تمایز یافتگی از خانواده اصلی و برقراری روابط مؤثر با اعضای خانواده پیش‌شرط‌های اساسی برای ایجاد یک رابطه موفق با همسر در آینده هستند (رمضانی فرد، ۱۳۹۷). همچنین، چراغی، مظاهری و موتابی (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که زنان روابط نامطلوب‌تری نسبت به مردان با خانواده همسر خود تجربه می‌کنند.

با توجه به نقش تعیین‌کننده صمیمیت زناشویی در رضایت و پایداری زندگی مشترک، شناسایی عوامل مؤثر بر این مفهوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر متغیرهایی همچون تحمل پریشانی و تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی پرداخته‌اند. با این حال، نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر، به‌ویژه در بافت

1. San Leong & Juhari
2. Hatfield & Rapson
3. Nag and Duza
4. Cevheroglu, & Tutarel-Kıslak
5. Al-Attar & El-Gibaly
6. Booth & Edwards
7. Williamson, Hanna, Lavner, Bradbury, Karney
8. Santos & Levitt
9. Pasley, Ihinger-Tallman, Coleman
10. Polenick Seidel, Birditt, Zarit, Fingerman
11. Rittenour & Kellas

فرهنگی جامعه ایرانی، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. از آنجا که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی در جوامع مختلف می‌توانند بر روابط زناشویی و خانوادگی تأثیرگذار باشند، بررسی این موضوع در زمینه فرهنگی ایران ضروری است. علاوه بر این، تعاملات زوجین با خانواده همسر در فرهنگ ایرانی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در کیفیت روابط زناشویی ایفا کند. از این رو، انجام این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر صمیمیت زناشویی و بهبود راهکارهای مشاوره‌ای و درمانی برای زوج‌های ایرانی منجر شود. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای متخصصانی که در حوزه آموزش و مشاوره پیش از ازدواج و زندگی زناشویی فعالیت دارند، سودمند باشد. تأکید بر اهمیت مدیریت رابطه با خانواده همسر و تقویت مهارت‌های ارتباطی مرتبط با این موضوع، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش ثبات و پایداری زندگی مشترک ایفا کند. بر این اساس، پژوهش حاضر به‌منظور آزمون مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایز یافتگی با نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان نورآباد انجام شده است. مدل مفهومی پیشنهادی به صورت زیر است:



شکل ۱. مدل مفهومی متغیرهای پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی است. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری در این پژوهش را زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر نورآباد لرستان (هفت تیر، شفاگستر و مهر شهر) در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۲ بود. براساس دیدگاه تاباکنیک و فیدل^۱ (۲۰۰۷) که عنوان می‌کند در مدل‌های ساختاری حجم نمونه حداقل ۲۰۰ نفر قابل دفاع است، تعداد ۲۳۹ نفر به روش نمونه‌گیری داوطلبانه به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. ملاک ورود به پژوهش: داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن در حد متوسطه اول، داشتن حداقل ۲ سال زندگی مشترک، زندگی با همسر، عدم ابتلا به اختلالات روان‌شناختی شدید (تعیین شده توسط مشاور مرکز) و رضایت برای شرکت در پژوهش بود. ملاک خروج از پژوهش، تکمیل نکردن کامل پرسش‌نامه‌ها، در شرف جدایی یا داشتن زندگی به تنهایی و عدم رضایت زنان متأهل بود. در بخش آمار توصیفی، جدول‌های توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری استخراج شدند. بخش تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS نسخه ۲۲ انجام شد. در این پژوهش تلاش شد تا تمامی موازین اخلاقی به‌ویژه حفظ محرمانگی اطلاعات رعایت شود و از هرگونه آسیب به شرکت‌کنندگان در طول انجام پژوهش جلوگیری گردد. این پایان‌نامه با کد اخلاق IR.PNU.REC.1402.349 ثبت شده است.

1. Tabachnick and Fidell

پژوهش

الف) پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود^۱ DSI-R: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۸۸ توسط اسکورون و فریدلندر طراحی شده و در سال ۲۰۰۳ تجدید نظر شد. این ابزار شامل ۴۶ سؤال است و چهار خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری عاطفی^۲، جایگاه من^۳، گریز عاطفی^۴ و هم‌آمیختگی با دیگران^۵ را می‌سنجد. پرسش‌نامه بر اساس مقیاس شش‌درجه‌ای لیکرت از (۱: اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا (۶: کاملاً در مورد من صحیح است) درجه‌بندی شده است. نمره کمتر در این پرسش‌نامه نشانه سطوح پایین تمایز یافتگی است. اعتبار و روایی این پرسش‌نامه تأیید شده و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش شده است (اسکورون^۶ و همکاران، ۲۰۰۹). در پژوهشی که توسط فخاری و همکاران در ایران انجام شد، پایایی پرسش‌نامه برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب زیر برآورد شد: گسلش عاطفی ۰/۸۳، واکنش ۰/۷۶، آمیختگی با دیگران ۰/۷۳، و موقعیت من ۰/۸۴. همچنین، روایی صوری پرسش‌نامه توسط متخصصان تأیید شد و ضرایب همبستگی هر مؤلفه با نمره کل معنادار بود (به نقل از آرین‌فر و باقری‌حسین‌آبادی، ۱۴۰۲). مقدار آلفا ۰/۸۱ در پژوهش حاضر نیز به پایایی مناسب پرسش‌نامه اشاره می‌کند.

ب) پرسش‌نامه کیفیت رابطه با خانواده همسر^۷: این پرسش‌نامه توسط چراغی (۱۳۹۳) طراحی شده و شامل ۸۷ سؤال با سه زیرمقیاس پیوستگی فرد با خانواده همسر (سؤال‌های ۱ تا ۳۴)، مرزبندی منعطف بین همسر و خانواده همسر (سؤال‌های ۳۵ تا ۶۹)، و اتحاد بین زوجین (سؤال‌های ۷۰ تا ۸۷) است. سؤال‌های این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱: خیلی کم تا ۵: خیلی زیاد) نمره‌گذاری می‌شود. آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های مرزبندی، اتحاد، و پیوستگی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۷۷ و ۰/۹۸ گزارش شده است. اعتبار این پرسش‌نامه در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۶۸ برآورد شد.

ج) مقیاس صمیمیت زناشویی^۸ (IS): این ابزار توسط تامپسون و واکر^۹ (۱۹۸۳) طراحی شده و شامل ۱۷ سؤال است که میزان صمیمیت زناشویی را می‌سنجد. دامنه نمرات بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) است و نمره بالاتر نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ گزارش شده است. این پرسش‌نامه توسط ثنائی (۱۳۷۹) ترجمه شده و ضریب پایایی ۰/۹۵ برای کل مقیاس گزارش شده است (به نقل از شهریوی و همکاران، ۱۴۰۲). در پژوهش حاضر، ضریب آلفا ۰/۸۵ بدست آمد. روایی همگرا و نیز روایی تشخیصی مقیاس در پژوهش تامپسون و واکر (۱۹۸۳) تأیید گردیده است. همچنین در ایران روایی محتوایی و صوری مقیاس در پژوهش اعتمادی، رضایی و احمدی (۱۳۸۵) تأیید شد. خزاعی (۱۳۸۶) با اجرای همزمان این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه باگاروزی، ضریب همبستگی ۰/۸۲ را گزارش کرد که نشان‌دهنده روایی ملاکی مناسب این مقیاس است.

د) پرسش‌نامه تحمل پریشانی^{۱۰} (DTS): این پرسش‌نامه دارای ۱۵ سؤال است که ۴ خرده‌مقیاس تحمل (تحمل پریشانی هیجانی؛ سؤال‌های ۱، ۳ و ۵)، جذب (جذب شدن به وسیله هیجانات منفی سؤال‌های ۲، ۴ و ۱۵)، ارزیابی (برآورد ذهنی پریشانی؛ سؤال‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲) و تنظیم پریشانی (تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی؛ سؤال‌های ۸، ۱۳ و ۱۴) را اندازه‌گیری می‌کند. سؤال‌ها بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱: کاملاً مخالف تا ۵: کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ برای این مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۲، ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۲ گزارش شده است. تحلیل عامل تأییدی نسخه انگلیسی

1. Self-differentiation inventory
2. Emotional reactivity
3. Position
4. Emotional cut off
5. Fusion with others
6. Skowron
7. Quality of relationship with in-laws
8. Intimacy scale
9. Thompson and Walker
10. Distress tolerance scale

توسط طراحان از روایی سازه مناسب این آزمون حکایت دارد (سیمونز و گاهر^۱، ۲۰۰۵). همچنین مشاهده شد که این مقیاس دارای روایی ملاک و همگرایی اولیه خوبی است (عزیزی، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر، ضریب آلفا ۰/۹۳ بدست آمد.

یافته‌ها

داده‌های نشان داد، بیشترین فراوانی سن در ۳۱ تا ۳۵ سال می‌باشد که تقریباً ۵۲ نفر (۲۱/۸ درصد) هستند. کمترین فراوانی نیز مربوط به ۵۶ تا ۶۰ سال می‌باشد که ۱ نفر (۰/۴ درصد) بود. سطح تحصیلات ۱۸ نفر زیر دیپلم، ۳۵ نفر دیپلم، ۵۷ نفر کاردانی، ۱۰۸ نفر کارشناسی، ۲۰ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر دکتری بود. ۲۰ نفر بدون فرزند، ۱۲۲ نفر دارای یک فرزند، ۸۱ نفر ۲ فرزند، ۱۲ نفر دارای ۳ فرزند، ۲ نفر دارای ۴ فرزند و ۲ نفر هم مادر ۵ فرزند بودند. جدول ۱ شاخص‌های متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی برای متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی تحقیق و خرده‌مقیاس‌های آن‌ها

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	نتایج آزمون بهنجاری کولموگروف-اسمیرنف برای متغیرهای اصلی و خرده‌مقیاس‌ها	سطح معناداری
تحمل پریشانی	۲۳۹	۴۳/۷۳	۸/۹۳	۰/۰۶۳	۰/۰۲۱
تحمل	۲۳۹	۸/۷۴	۲/۷۵	۰/۰۹۱	۰/۰۰۰
جذب	۲۳۹	۹/۰۴	۲/۷۸	۰/۰۸۰	۰/۰۰۱
ارزیابی	۲۳۹	۱۸/۲۸	۴/۲۲	۰/۰۶۴	۰/۰۲۰
تنظیم	۲۳۹	۷/۶۷	۲/۷۹	۰/۱۱۸	۰/۰۰۰
تمایز یافتگی	۲۳۹	۱۶۴/۰۰	۲۱/۳۸	۰/۰۶۳	۰/۰۲۲
واکنش‌پذیری هیجانی	۲۳۹	۳۷/۲۷	۸/۳۱	۰/۰۶۳	۰/۰۲۴
جایگاه من	۲۳۹	۴۰/۴۶	۸/۰۷	۰/۰۴۶	۰/۰۲۰
گریز عاطفی	۲۳۹	۴۴/۶۶	۹/۷۱	۰/۰۷۱	۰/۰۰۶
هم آمیختگی با دیگران	۲۳۹	۴۱/۶۲	۸/۷۶	۰/۰۶۸	۰/۰۱۰
کیفیت رابطه با خانواده همسر	۲۳۹	۲۶۱/۶۴	۳۵/۰۱	۰/۰۶۹	۰/۰۰۷
پیوستگی فرد با خانواده همسر	۲۳۹	۱۰۷/۱۹	۱۶/۳۰	۰/۰۶۸	۰/۰۱۰
مرزبندی منعطف بین همسر و خانواده همسر	۲۳۹	۱۰۲/۶۶	۲۱/۲۰	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰
اتحاد بین زوجین	۲۳۹	۵۵/۷۹	۸/۸۷	۰/۰۶۴	۰/۰۱۹
صمیمیت زناشویی	۲۳۹	۷۷/۸۲	۲۲/۰۸	۰/۱۰۶	۰/۰۰۰

مطابق با یافته‌های جدول ۱، از میان ابعاد متغیرهای مستقل (تحمل پریشانی و تمایز یافتگی)، مؤلفه گریز عاطفی بالاترین میانگین را دارد. در ابعاد متغیر میانجی (ارتباط با خانواده همسر)، مؤلفه پیوستگی فرد با خانواده همسر دارای بالاترین میانگین است.

پیش از انجام تحلیل‌های آماری، به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد که به‌جز متغیر «جایگاه من»، سایر متغیرها توزیع نرمال نداشتند (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵). بنابراین، برای بررسی روابط بین متغیرها، از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد.

شرط لازم برای انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری وجود همبستگی معنادار بین متغیرهاست. در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی و خرده‌مقیاس‌های آنها آمده است. همبستگی‌های معنادار با دو ستاره در سطح یک درصد خطا و با یک ستاره در سطح پنج درصد خطا نشان داده شده است.

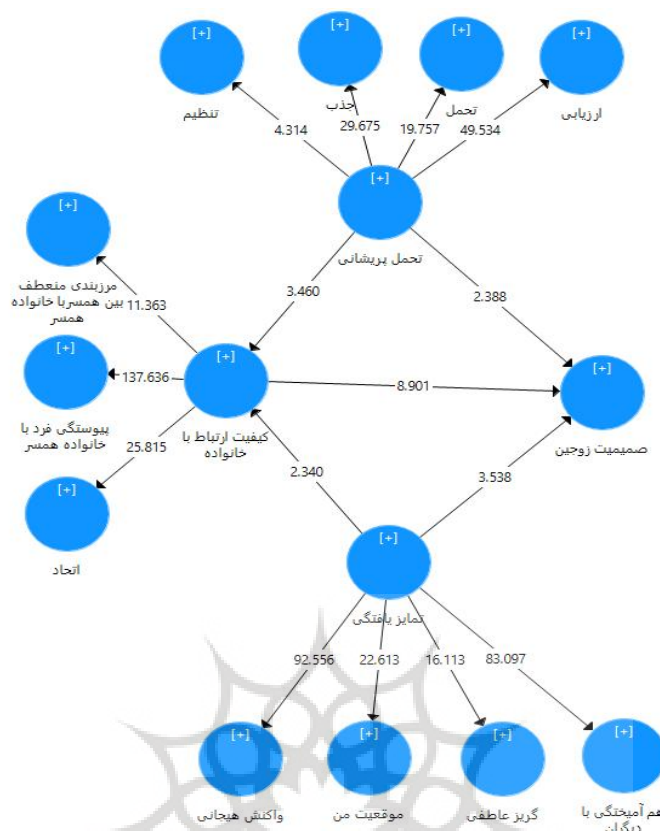
جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش و خرده‌مقیاس‌های آنها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱. تحمل پریشانی															
۲. تحمل	۰.۷۳۳**														
۳. جذب	۰.۷۳۳**	۰.۷۱۶**													
۴. ارزشیابی	۰.۸۰۰**	۰.۴۰۰**	۰.۵۱۱**												
۵. تنظیم	۰.۵۴۰**	۰.۳۴۰**	۰.۲۷۰**	۰.۱۴۷**											
۶. تمایز یافتگی	۰.۰۰۲	-۰.۰۰۲	۰.۱۲۰	۰.۱۶۵*	۰.۲۶۲**										
۷. واکنش‌پذیری هیجانی	۰.۰۰۰	۰.۰۱۹	۰.۰۹۱	۰.۰۵۴	-۰.۱۹۲*	۰.۸۱۹**									
۸. جایگاه من	۰.۳۳۷**	۰.۱۷۳**	۰.۳۳۸**	۰.۴۱۷**	-۰.۰۵۷	۰.۰۳۳									
۹. گریز عاطفی	-۰.۳۳۱**	-۰.۲۲۷**	-۰.۰۹۱*	۰.۰۰۶	۰.۴۳۶**	۰.۷۸۶**	-۰.۱۹۱**								
۱۰. هم‌آمیختگی	-۰.۰۵۰	۰.۰۷۰	-۰.۰۰۴	-۰.۰۳۸	-۰.۱۶۶*	۰.۷۵۲**	-۰.۳۵۶**	۰.۴۴۵**							
دیگران															
۱۱. کیفیت رابطه	۰.۳۳۴**	۰.۲۴۱**	۰.۳۶۹**	۰.۲۰۳**	۰.۲۲۵**	۰.۲۱۳**	-۰.۳۹۴**	-۰.۳۴۶**	-۰.۳۴۲**						
خانواده همسر															
۱۲. پیوستگی فرد	۰.۳۸۸**	۰.۲۴۱**	۰.۴۰۲**	۰.۰۳۹	۰.۲۸۰**	-۰.۱۸۰**	-۰.۲۳۴**	-۰.۳۱۰**	-۰.۲۸۲**	۰.۷۸۹**					
خانواده همسر															
۱۳. مرزبندی منعطف															
بین همسر و خانواده	۰.۱۶۷**	۰.۱۹۴**	۰.۰۶۸	۰.۰۳۹	۰.۲۸۵**	-۰.۳۷۲**	۰.۱۲۲	-۰.۳۰۶**	-۰.۲۱۳**	۰.۸۱۷**	۰.۳۸۴**				
همسر															
۱۴. اتحاد بین زوجین	۰.۱۶۷**	۰.۰۴۴	۰.۱۵۷*	۰.۱۹۵**	۰.۰۴۱	۰.۰۰۴	۰.۲۵۴**	-۰.۰۶۳	-۰.۱۴۲*	۰.۵۲۱**	۰.۳۸۵**	۰.۱۶۷**			
۱۵. صمیمیت زناشویی	۰.۲۷۰**	۰.۰۶۰	۰.۳۸۱**	۰.۳۳۸**	-۰.۰۸۴	-۰.۱۲۵	۰.۰۶۰	-۰.۰۶۵	-۰.۳۱۳**	۰.۲۶۶**	۰.۴۶۵**	-۰.۰۷۹	۰.۳۸**		

در ادامه با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی به بررسی مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است. به این منظور روایی و پایایی مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری مشتمل بر روابط بین متغیرهای پژوهش و کیفیت مدل معادله ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. جهت آزمون برازش مدل‌های اندازه‌گیری از معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مقادیر $0/7$ و بالاتر نشان‌دهنده پایایی مناسب آن است. در پژوهش حاضر اکثر متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها دارای پایایی بالاتر از $0/7$ یا نزدیک به $0/7$ هستند. معیار روایی تشخیصی AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است و مقدار قابل قبول برای آن $0/5$ و بالاتر است که در همه موارد نزدیک به $0/5$ یا بالاتر شده است. این بدان معناست که هر نشان‌گر فقط سازه خود را اندازه‌گیری می‌کند و تمامی سازه‌ها به خوبی از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

در نهایت، معیار روایی واگرا نیز به مقایسه میزان همبستگی یک متغیر با خرده‌مقیاس‌هایش در مقابل همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها می‌پردازد. بالابودن مقادیر واقع در قطر اصلی هر ستون نسبت به مقادیر پایین‌تر آن نشان‌دهنده واگرایی متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها از یکدیگر است. بدین معنا که مجذور مربع میانگین هر سازه از مجذور مربع آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر است.

مدل معادله ساختاری پژوهش حاضر در شکل ۱ آمده است که بارهای عاملی خرده‌مقیاس‌ها و ضرایب مسیر را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل ضرایب مسیر

بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴ در خرده‌مقیاس‌ها نشان داد که به خوبی بر متغیر پنهان خود بار می‌شوند. یافته‌های مربوط به روابط ساختاری به اثرات مستقیم و غیر مستقیم و اثرات کل اشاره دارد که در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل

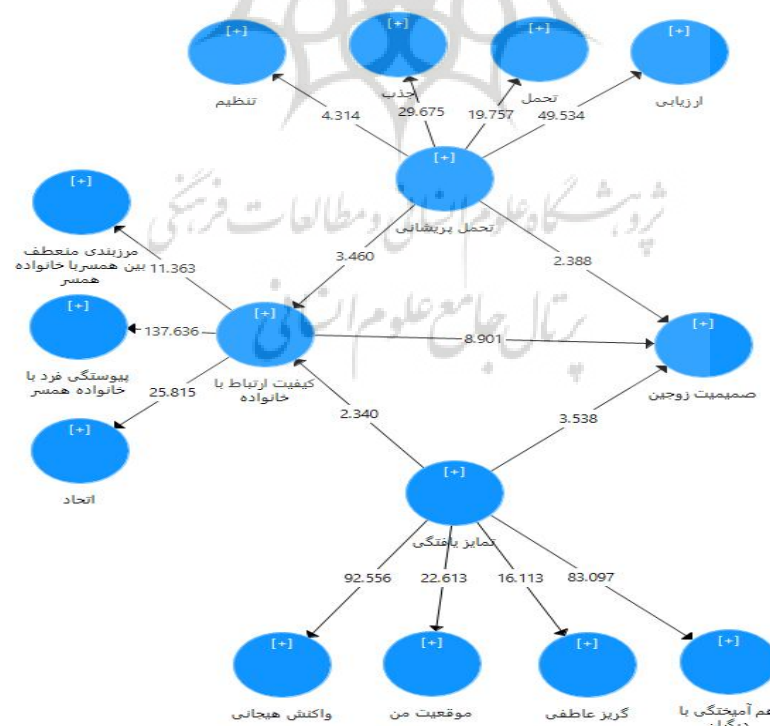
مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
تمایز یافتگی ← صمیمیت زناشویی	ضرایب استاندارد ۰/۲۰۹ مقادیر t ۳/۵۳۸**		
تحمل پریشانی ← صمیمیت زناشویی	ضرایب استاندارد ۰/۱۶۵ مقادیر t ۲/۳۸۸**		
کیفیت رابطه با خانواده همسر ← صمیمیت زناشویی	ضرایب استاندارد ۰/۵۷۲ مقادیر t ۸/۹۰۱**		۰/۵۷۲ ۸/۹۰۱**
تمایز یافتگی ← رابطه با خانواده همسر ← صمیمیت زناشویی	ضرایب استاندارد ۰/۲۰۹ مقادیر t ۳/۵۳۸**	۰/۱۱۴ ۲/۲۱۷**	۰/۳۲۳ ۴/۴۶۷**
تحمل پریشانی ← رابطه با خانواده همسر ← صمیمیت زناشویی	ضرایب استاندارد ۰/۱۶۵ مقادیر t ۲/۳۸۸**	۰/۱۶۹ ۲/۹۷۳**	۰/۳۳۴ ۴/۳۴۱**

** اثر در سطح ۰/۰۱ معنی دار است

با توجه به نتایج جدول ۳، تمایز یافتگی دارای اثر مستقیم $\beta = 0.209$ بر روی متغیر صمیمیت زوجین است. ضرایب استاندارد شده مسیر میان متغیر تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی بیانگر این مطلب است که متغیر تمایز یافتگی به میزان ۲۱ درصد از تغییرات متغیر صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کند. بنابراین با افزایش تمایز یافتگی، صمیمیت زناشویی افزایش می‌یابد. همچنین تحمل

پیشانی دارای اثر مستقیم $\beta = 0/165$ بر روی متغیر صمیمیت زناشویی است. ضرایب استاندارد شده مسیر میان متغیر تحمل پیشانی و صمیمیت زناشویی بیانگر این مطلب است که متغیر تحمل پیشانی به میزان ۱۷ درصد از تغییرات متغیر صمیمیت زناشویی را به‌طور مستقیم تبیین می‌کند. بنابراین با افزایش تحمل پیشانی، صمیمیت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین متغیر کیفیت رابطه با خانواده همسر دارای اثر مستقیم و کل $\beta = 0/572$ بر روی متغیر صمیمیت زوجین است. ضرایب استاندارد شده مسیر میان متغیر کیفیت رابطه با خانواده همسر و صمیمیت زناشویی بیانگر این مطلب است که متغیر کیفیت رابطه با خانواده همسر به میزان ۵۷ درصد از تغییرات متغیر صمیمیت زناشویی را به‌طور مستقیم تبیین می‌کند. بنابراین با افزایش کیفیت رابطه با خانواده همسر، صمیمیت زناشویی افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج جدول ۵، تمایز یافتگی دارای اثر مستقیم $\beta = 0/209$ ، اثر غیر مستقیم $\beta = 0/114$ و اثر کل معناداری $\beta = 0/323$ ، بر روی متغیر صمیمیت زناشویی است. ضرایب استاندارد شده مسیر میان متغیر تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی از طریق متغیر میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر، بیانگر این مطلب است که متغیر تمایز یافتگی به میزان ۳۲ درصد از تغییرات متغیر صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کند. بنابراین با افزایش تمایز یافتگی، صمیمیت زناشویی افزایش می‌یابد.

همچنین با توجه به نتایج جدول ۵، متغیر تحمل پیشانی دارای اثر مستقیم $\beta = 0/165$ ، اثر غیر مستقیم $\beta = 0/169$ و اثر کل معناداری $\beta = 0/334$ ، بر روی متغیر صمیمیت زناشویی است. ضرایب استاندارد شده مسیر میان متغیر تحمل پیشانی و صمیمیت زناشویی از طریق متغیر میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر، بیانگر این مطلب است که متغیر تحمل پیشانی به میزان ۳۳ درصد از تغییرات متغیر صمیمیت زناشویی را به‌طور مستقیم، تبیین می‌کند. بنابراین با افزایش تحمل پیشانی، صمیمیت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که، متغیر تحمل پیشانی حدود ۱۷ درصد و متغیر تمایز یافتگی حدود ۲۱ درصد از متغیر صمیمیت زناشویی را توضیح می‌دهد. از طرفی متغیر تحمل پیشانی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر کیفیت رابطه با خانواده همسر، به میزان ۹ درصد ($0/165 * 0/572$) و متغیر تمایز یافتگی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر کیفیت رابطه با خانواده همسر، به میزان ۱۲ درصد ($0/209 * 0/572$) بر متغیر صمیمیت زناشویی تأثیر می‌گذارد، لذا فرضیه اصلی تایید می‌شود.



شکل ۲. مقادیر t در مدل معادله ساختاری پژوهش

عمده‌ترین شاخص‌های ارزیابی بخش ساختاری مدل PLS ضریب تشخیص R^2 ، شاخص بلایند فولدینگ Q^2 و معیار اندازه تاثیر f^2 است که در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. مقادیر R^2 ، Q^2 و f^2 جهت آزمون برازش مدل ساختاری

متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها	مقادیر R^2	مقادیر Q^2
تحمل	۰/۵۵۴	۰/۲۴۹
جذب	۰/۶۲۹	۰/۲۹۲
تنظیم	۰/۱۰۹	۰/۰۵۱
ارزیابی	۰/۷۸۲	۰/۳۰۰
واکنش پذیری هیجانی	۰/۸۷۰	۰/۲۸۳
جایگاه من	۰/۴۷۱	۰/۱۲۹
گریز عاطفی	۰/۴۵۱	۰/۰۹۵
هم آمیختگی با دیگران	۰/۸۴۴	۰/۲۶۱
پیوستگی فرد با خانواده همسر	۰/۹۱۳	۰/۰۳۸
مرزبندی منعطف بین همسر و خانواده همسر	۰/۲۶۸	۰/۱۶۴
اتحاد بین زوجین	۰/۶۳۹	۰/۲۶۷
صمیمیت زناشویی	۰/۵۰۳	۰/۲۵۸
متغیرها	مقدار f^2	
تحمل پریشانی ← کیفیت رابطه با خانواده همسر	۰/۱۰	
تحمل پریشانی ← صمیمیت زناشویی	۰/۰۵	
تمایز یافتگی ← کیفیت رابطه با خانواده همسر	۰/۰۵	
تمایز یافتگی ← صمیمیت زناشویی	۰/۰۸	

مقادیر R^2 مقدار واریانس در متغیرهای وابسته و درون‌زا را نشان می‌دهد که توسط متغیرهای برون‌زا تبیین شده است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳، ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. فالک و میلر (۱۹۹۲) توصیه کردند که مقادیر R^2 باید برابر یا بالاتر از ۰/۱ باشد تا واریانس تبیین شده یک ساختار درون‌زای خاص کافی تلقی شود. جدول ۵ مقادیر R^2 و Q^2 را نشان می‌دهد در واقع R^2 معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳، ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. نتایج جدول ۴ مقادیر R^2 را نشان می‌دهد که با توجه به سه مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری در حد قوی تأیید می‌شود.

معیار Q^2 تعیین می‌کند که آیا یک مدل ارتباط پیش‌بینی دارد یا خیر. مقادیر بالای صفر در این آماره نشان می‌دهند که مقادیر در مدل ساختاری به خوبی بازسازی شده‌اند. به طور دقیق‌تر، سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ مقادیر ضعیف، متوسط و قوی قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. نتایج در جدول ۴ درج شده است. با توجه به مقادیر بالاتر از حداقل مقدار ۰/۰۲ در همه متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها و مقادیر بالاتر از ۰/۱۵ در اکثر متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها، می‌توان گفت که مدل دارای ارتباط پیش‌بینی است.

همچنین، برای بررسی میزان تأثیر متغیرهای برون‌زا (تحمل پریشانی و تمایز یافتگی) بر متغیرهای درون‌زا (کیفیت رابطه با خانواده همسر و صمیمیت زناشویی)، از اندازه اثر f^2 استفاده شد. ارزش عددی f^2 ، برای متغیر تحمل پریشانی، کیفیت رابطه با خانواده همسر و تمایز یافتگی به ترتیب ۰/۱۰، ۰/۰۵ و ۰/۰۸ بود (جدول ۴ را مشاهده کنید). این مقادیر نشان می‌دهند که تحمل پریشانی دارای بیشترین سهم در تبیین صمیمیت زناشویی است، به‌طوری که حذف آن از مدل، کاهش قابل توجهی در ضریب تعیین R^2 ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که این متغیر نقش مهمی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی ایفا می‌کند. کوهن^۱ (۱۹۸۸) سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب نشان از اندازه تأثیر کوچک، متوسط و بزرگ یک سازه بر سازه دیگر معرفی می‌کند.

به‌منظور بررسی توان پیش‌بینی مدل، از شاخص Q^2 استفاده شد که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی متغیرهای پنهان برون‌زا نسبت به متغیرهای درون‌زا است. طبق نظر روس و استول (۲۰۲۱)، مقدار Q^2 بیش از صفر برای هر متغیر درون‌زا، نشانگر برخورداری مدل از قدرت پیش‌بینی قابل قبول است. در این مطالعه، مقدار Q^2 برای متغیر صمیمیت زوجین برابر با ۰/۴۶ گزارش شد. وترز^۲ و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Q^2 معرفی نموده‌اند. می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پژوهش، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌ای برای صمیمیت زناشویی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی رابطه صمیمیت زناشویی، تمایز یافتگی و تحمل پریشانی با نقش واسطه‌ای کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل پرداخته است. یافته‌های پژوهش از رابطه معنادار صمیمیت زناشویی با تحمل پریشانی و تمایز یافتگی حکایت دارد. این یافته همسو با پژوهش‌های عبدی و صادقی (۱۴۰۳)؛ پیترومانکو و همکاران (۲۰۲۲)؛ دیونسی و بارلینگ (۲۰۱۵)؛ بروان و اریگتون (۲۰۲۴)؛ فینزی-دوتان، (۲۰۲۳)؛ اسکورون و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: این یافته را می‌توان بر اساس نظریه‌های روان‌شناختی مرتبط با صمیمیت زناشویی و تنظیم هیجانی تبیین کرد. تحمل پریشانی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در مدیریت چالش‌های زناشویی، به زوجین کمک می‌کند تا در مواجهه با تنش‌ها و ناملازمات، واکنش‌های سازگارانه‌تری داشته باشند و از ایجاد تعارض‌های شدید جلوگیری کنند. بر اساس مدل‌های شناختی-هیجانی، افرادی که تحمل پریشانی بالاتری دارند، در برابر مشکلات زناشویی دچار ناامیدی زود هنگام نمی‌شوند و با استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مؤثر، صمیمیت خود را در رابطه حفظ می‌کنند. از سوی دیگر، تمایز یافتگی که به معنای توانایی حفظ استقلال هیجانی در عین ارتباط نزدیک با همسر است، نقش مهمی در شکل‌گیری تعاملات سالم و افزایش کیفیت ارتباط دارد. افرادی که سطح بالاتری از تمایز یافتگی دارند، کمتر درگیر وابستگی‌های هیجانی ناسالم می‌شوند و می‌توانند بین نیازهای فردی و الزامات رابطه زناشویی تعادل برقرار کنند. علاوه بر این، می‌توان این یافته را از منظر نظریه دلبستگی و نقش الگوهای اولیه ارتباطی در روابط زناشویی بررسی کرد. افرادی که در خانواده‌های خود الگوهای ایمن و سازگارانه‌ای از صمیمیت و تنظیم هیجانی را تجربه کرده‌اند، معمولاً در روابط زناشویی خود نیز از مهارت‌های بهتری برای حل تعارض و مدیریت استرس برخوردارند. تحمل پریشانی و تمایز یافتگی بالا به افراد این امکان را می‌دهد که در شرایط بحرانی، بدون احساس تهدید نسبت به رابطه، به دنبال راه‌حل‌های منطقی باشند و از استراتژی‌های ارتباطی سازنده استفاده کنند. در نتیجه، این دو متغیر نه تنها

1. Cohen

2. Wetzels

باعث کاهش تنش‌های زناشویی می‌شوند، بلکه کیفیت ارتباط عاطفی بین زوجین را نیز ارتقا می‌بخشند، که این امر در نهایت به افزایش سطح صمیمیت زناشویی منجر می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل مدل ساختاری پیشنهادی، برازش مناسبی را نشان داد و فرضیه‌های پژوهش تأیید شدند. به طور مشخص، تحمل پریشانی حدود ۱۷ درصد و تمایز یافتگی ۲۱ درصد از تغییرات صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. همچنین تحمل پریشانی و تمایز یافتگی به ترتیب ۱۰ و ۶ درصد تأثیر غیرمستقیم بر صمیمیت زناشویی از طریق کیفیت رابطه با خانواده همسر دارند. این نتایج با پژوهش‌های قبلی از جمله غنی‌پور (۱۴۰۱) و شاه‌نوش فروشانی (۱۴۰۱) همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت صمیمیت یکی از انگیزه‌های اصلی برای تشکیل یک رابطه زوجی است و شامل احساس نزدیکی و توجهی است که زوجین نسبت به یکدیگر دارند. این صمیمیت کلید ایجاد یک هویت زوجی مستحکم و رضایت زناشویی است. به اعتقاد متخصصان خانواده، صمیمیت زناشویی فرآیندی است که قبل از ازدواج شکل می‌گیرد و در طول زندگی مشترک ادامه می‌یابد و حتی می‌تواند همواره پایدار بماند. افرادی که تحمل پریشانی بالاتری دارند، بهتر می‌توانند با چالش‌ها و مشکلات زندگی زناشویی روبرو شوند و و از طریق ایجاد راه‌حل‌های منطقی و ارتباط باز با همسر، صمیمیت خود را حفظ کنند. همچنین افزایش تحمل پریشانی باعث تمرکز بیشتر بر فرآیندهای هیجانی و شناختی می‌شود که به نوبه خود صمیمیت را تقویت می‌کند در مقابل، افرادی که تحمل کمتری در برابر پریشانی دارند، بیشتر از شیوه‌های اجتنابی استفاده کرده و قدرت کمتری برای مدیریت مسائل نشان می‌دهند. این نتایج نشان می‌دهد که وقتی افراد توانایی بیشتری برای تحمل استرس دارند، کمتر به شیوه‌های اجتنابی متوسل می‌شوند. به این ترتیب، توانایی تحمل پریشانی نقش اساسی در حفظ و تقویت صمیمیت زناشویی دارد. به عبارت دیگر، استرس‌های زندگی مشترک می‌توانند به جای تضعیف روابط زناشویی، با تحمل بهتر، به فرصتی برای تقویت صمیمیت بین زوجین تبدیل شوند.

مطالعه نشان داد تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی اثرگذار هستند. این نتایج همسو با پژوهش‌های عزیزی و حاجی‌علیزاده (۱۴۰۲)؛ رافضی و صبوری (۱۴۰۱) است. افراد تمایز یافته قادرند در روابط نزدیک ضمن حفظ هویت خود، به نیازهای همسرشان نیز توجه کنند و این امر به افزایش صمیمیت زناشویی کمک می‌کند. این یافته بر اهمیت تمایز یافتگی در روابط زناشویی تأکید دارد. افراد تمایز یافته می‌توانند در عین نزدیکی عاطفی با همسر، استقلال فکری و عاطفی خود را حفظ کرده و به صمیمیت بیشتری در زندگی زناشویی دست پیدا کنند. همچنین کمتر تحت تأثیر واکنش‌های هیجانی شدید قرار می‌گیرند که آنها را به سوی سبک‌های مقابله‌ای از نوع فاصله‌گیری هیجانی و استقلال افراطی سوق می‌دهد و می‌تواند مانع از بیان احساسات و نیازهای فرد شده و از صمیمیت زناشویی بکاهد.

این دو یافته پژوهش نشان می‌دهد که صمیمیت زناشویی تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مانند تمایز یافتگی و تحمل پریشانی قرار دارد. این نتایج اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی را در روابط زوجین برجسته می‌کند. هرچه فرد توانایی بیشتری در مدیریت هیجانات و چالش‌ها داشته باشد، احتمال شکل‌گیری روابط صمیمانه و عمیق‌تر بیشتر است. در این راستا، برنامه‌های مشاوره‌ای و درمانی که بر تقویت مهارت‌های فردی و افزایش آگاهی از نیازهای شخصی متمرکز هستند، می‌توانند به زوج‌ها کمک کنند تا با چالش‌های زندگی مشترک بهتر مواجه شوند و صمیمیت بیشتری را تجربه کنند. به این ترتیب، صمیمیت نه تنها به واسطه تعاملات بین فردی شکل می‌گیرد، بلکه نیازمند مدیریت عواطف و احساسات درونی هر یک از طرفین رابطه است.

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش این است که کیفیت رابطه با خانواده همسر، نقش واسطه‌ای میان تمایز یافتگی، تحمل پریشانی و صمیمیت زناشویی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل مثبت با خانواده همسر می‌تواند به تقویت صمیمیت زناشویی منجر شود، در حالی که روابط منفی با خانواده همسر می‌تواند صمیمیت را کاهش داده و تعارضات بین زوجین را افزایش دهد. این یافته با تحقیقات مارکر (۲۰۲۵)؛ رضانی‌فرد (۱۳۹۷)؛ سریوویچ و همکاران (۲۰۰۸)، العطار و الجبالی (۲۰۱۴) همخوانی دارد. بر اساس نظریه بوئن، تمایز یافتگی خود به توانایی فرد در ایجاد تعادل میان استقلال فردی و پیوندهای هیجانی در روابط بین فردی اشاره دارد. افرادی که از سطح بالایی از تمایز یافتگی برخوردارند، کمتر تحت تأثیر استرس‌های بیرونی قرار می‌گیرند، واکنش‌های هیجانی شدیدتری نشان نمی‌دهند و در عین حفظ استقلال، می‌توانند روابط عاطفی و حمایتی پایداری را شکل دهند. در زمینه روابط زناشویی، این ویژگی به همسران کمک می‌کند تا ضمن حفظ هویت فردی، ارتباط عاطفی عمیق‌تری با یکدیگر برقرار کنند. یافته پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت رابطه با خانواده همسر، نقش واسطه‌ای میان تمایز یافتگی و صمیمیت زناشویی دارد. این نتیجه بیانگر آن است که تأثیر تمایز یافتگی بر صمیمیت زناشویی تنها به تعاملات مستقیم زوجین محدود نمی‌شود، بلکه چگونگی ارتباط زوجین با خانواده‌های یکدیگر نیز در این میان نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. درواقع، افرادی که از تمایز یافتگی بالاتری برخوردارند، معمولاً در مدیریت مرزهای میان زندگی زناشویی و روابط با خانواده همسر عملکرد بهتری دارند. این افراد می‌توانند ضمن برقراری روابط مثبت و حمایتی با خانواده همسر، از درگیری‌های بیش از حد و وابستگی‌های ناسالم اجتناب کنند، که این امر در نهایت به تقویت صمیمیت زناشویی منجر می‌شود.

در مقابل، همسرانی که تمایز یافتگی پایینی دارند، ممکن است در مواجهه با مسائل خانوادگی بیش از حد واکنش هیجانی نشان دهند، تحت تأثیر نظرات و فشارهای خانواده همسر قرار گیرند یا در تعیین مرزهای مناسب دچار مشکل شوند. این وضعیت می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها و کاهش صمیمیت زناشویی گردد. همچنین، درگیری‌های مداوم با خانواده همسر یا نفوذ بیش از حد آن‌ها در زندگی زناشویی، می‌تواند به احساس ناامنی و نارضایتی در رابطه منجر شود. مطابق با این یافته، پژوهش‌های پیشین نیز نشان داده‌اند که روابط مثبت و حمایتگرانه با خانواده همسر می‌تواند به افزایش احساس امنیت، کاهش استرس‌های زناشویی و تقویت پیوندهای عاطفی میان همسران کمک کند (رضانی‌فرد، ۱۳۹۷). در مقابل، تنش‌های میان زوجین و خانواده همسر، به‌ویژه در صورت عدم توافق زوجین در مورد نحوه تعامل با خانواده‌های خود، می‌تواند به کاهش کیفیت رابطه و افزایش تعارضات منجر شود. همچنین این یافته در چارچوب نظریه‌های مختلف همچون «نظریه سیستم‌های خانواده» که بر پیوستگی و مرزبندی بین نسل‌ها تأکید دارد، «نظریه تمایز بین فردی» که بر توانایی فرد در حفظ هویت شخصی در دل روابط خانوادگی متمرکز است، و نیز «الگوهای یکپارچگی فرهنگی» که بر نقش باورها و ارزش‌های فرهنگی در شکل‌گیری تعاملات خانوادگی تأکید دارد، قابل تبیین و تحلیل است. نظریه سیستم‌های خانواده که توسط مینوچین و همکاران مطرح شده، خانواده را به‌عنوان یک نظام منسجم و به‌هم‌پیوسته در نظر می‌گیرد که تغییر در هر بخش آن می‌تواند کل نظام را تحت تأثیر قرار دهد. از این منظر، روابط فرد با خانواده همسر نیز بخشی از این سیستم گسترده محسوب می‌شود و کیفیت آن می‌تواند بر روابط عاطفی و صمیمیت زوجین اثرگذار باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رابطه مثبت با مادرشوهر یا پدرشوهر می‌تواند با رضایت زناشویی بیشتر همراه باشد (کائو، فاین، فانگ، و ژو، ۲۰۱۹)، در حالی که روابط تنش‌آلود با خانواده همسر با افزایش تعارض زناشویی و کاهش صمیمیت مرتبط است (قاسمی، اعتمادی و احمدی، ۱۳۹۴). نظریه تمایز بین فردی، که از

مفاهیم بنیادین نظریه بوئن محسوب می‌شود، بر توانایی فرد در تفکیک افکار از هیجانات و استقلال روانی در روابط تأکید دارد. افرادی که از سطح بالایی از تمایز برخوردارند، بهتر می‌توانند در روابط خانوادگی مرزهای سالمی برقرار کنند و از دخالت‌های هیجانی خانواده مبدأ یا خانواده همسر مصون بمانند. در مقابل، افرادی با تمایز پایین، در روابط با خانواده همسر آسیب‌پذیرترند و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز کاهش صمیمیت زناشویی شود (لی، ژائو، جانسون و فانگ، ۲۰۲۳).

الگوهای یکپارچگی فرهنگی نیز نقش مهمی در تحلیل تأثیر روابط با خانواده همسر دارند. در جوامعی نظیر ایران، چین و کره که ساختار خانواده گسترده اهمیت زیادی دارد و تأکید فرهنگی بر احترام به بزرگ‌ترها و حفظ روابط فامیلی قوی است، پذیرش یا طرد از سوی خانواده همسر می‌تواند بر احساس امنیت روانی و انسجام عاطفی زوجین تأثیر مستقیم بگذارد. مطالعات نشان می‌دهند که کیفیت روابط مادرشوهر-عروس و مادرزن-داماد با سازگاری زناشویی و همبستگی عاطفی زوجین مرتبط است (پاگنته، ۲۰۲۳؛ گاوینز، ۲۰۲۲؛ جون، ۲۰۲۰) و در این میان، زنان بیش از مردان از تعارض با خانواده همسر آسیب می‌بینند (برایان و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین، افزایش مسائل خانوادگی با خانواده همسر و احساس تعلق به نظام خانوادگی گسترده، با رضایت زناشویی بالاتر در ارتباط است (افرام، اوسی توتو؛ ۲۰۲۳؛ سریوویچ و همکاران، ۲۰۰۸). در مجموع، رابطه با خانواده همسر نه تنها به عنوان یک عامل بین فردی، بلکه در بستر نظام خانواده، ساختار فرهنگی و ویژگی‌های شخصیتی فرد باید مورد توجه قرار گیرد تا نقش آن در تقویت یا تضعیف صمیمیت زناشویی به درستی درک شود. در ایران زنان بیشتر از مردان با چالش‌های تعامل با خانواده همسر (به‌ویژه مادرشوهر) مواجه هستند. فشارهای اجتماعی و فرهنگی، نقش‌های سنتی زنان و انتظارات مربوط به حفظ روابط با خانواده همسر و مراقبت از خانواده همسر، همه عواملی هستند که می‌توانند فشار مضاعفی بر زنان وارد کرده و باعث شود که احساس کنند میان دوگانگی انتظارات فرهنگی و نیازهای شخصی گرفتار شده‌اند. این وضعیت می‌تواند به ایجاد تنش در روابط زناشویی و کاهش صمیمیت منجر شوند، به ویژه اگر مرزهای مشخصی بین خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، مردان به طور معمول ارتباط نزدیک‌تری با خانواده خود (به خصوص والدین) حفظ می‌کنند و از آن‌ها حمایت می‌گیرند، اما کمتر تحت فشار مستقیم از سوی خانواده همسر قرار می‌گیرند. این مقایسه نشان می‌دهد که زنان بیشتر به دنبال ایجاد روابط هماهنگ با خانواده همسر هستند و در صورت بروز اختلافات، احساسات منفی بیشتری را تجربه می‌کنند. در مقابل، مردان اغلب در مواجهه با اختلافات میان همسر و خانواده خود نقش میانجی را ایفا می‌کنند. در نتیجه، زنان بیشتر در معرض استرس و فشارهای روانی ناشی از روابط با خانواده همسر قرار دارند و این موضوع می‌تواند تأثیرات منفی بر رضایت زناشویی آن‌ها داشته باشد. به همین دلیل، تقویت مرزهای سالم و شفاف میان خانواده هسته‌ای و خانواده گسترده، به ویژه از طریق آموزش و مشاوره‌های زناشویی، می‌تواند در کاهش تعارضات و بهبود روابط مؤثر باشد و ایجاد تعادل میان نقش‌های سنتی و مدرن می‌تواند به حفظ سلامت روانی و بهبود کیفیت روابط زوجین کمک کند. در نهایت یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت رابطه با خانواده همسر نقش مهمی در صمیمیت زناشویی ایفا می‌کند. بنابراین، تقویت روابط مثبت با خانواده همسر و ایجاد مرزهای سالم بین خانواده هسته‌ای و گسترده می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی زناشویی کمک کند. همچنین، افزایش تحمل پریشانی و تمایز یافتگی در افراد می‌تواند به تقویت صمیمیت زناشویی منجر شود.

این پژوهش با برخی محدودیت‌هایی همراه بود که می‌تواند بر تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر بگذارد. یکی از این محدودیت‌ها استفاده از پرسش‌نامه‌های خودگزارشی است. در روش خودگزارشی، شرکت‌کنندگان اطلاعات مربوط به خود را بر اساس برداشت و تفسیر شخصی خود ارائه می‌دهند. این امر ممکن است با خطاها و انحرافات همراه باشد، از جمله گرایش به پاسخ‌های اجتماعی مطلوب. این مسئله به‌ویژه در موضوعاتی مانند روابط زناشویی یا کیفیت رابطه با خانواده همسر ممکن است تشدید شود، زیرا افراد ممکن است تمایل داشته باشند تصویری مثبت از خود و روابطشان ارائه دهند، حتی اگر واقعیت با آنچه بیان می‌شود مطابقت نداشته باشد. این گرایش می‌تواند به تحریف داده‌ها منجر شود و باعث گردد که یافته‌ها نتوانند به‌طور دقیق بازتاب‌دهنده وضعیت واقعی شرکت‌کنندگان باشند. همچنین، محدودیت‌های دیگری مانند ناتوانی در کنترل کامل عوامل زمینه‌ای و تفاوت‌های فرهنگی نیز ممکن است بر اعتبار یافته‌ها اثر بگذارند.

برای مقابله با این محدودیت‌ها، پژوهش‌های آینده می‌توانند از روش‌های ترکیبی (مانند مشاهده و مصاحبه عمیق) و ابزارهای سنجش دقیق‌تر استفاده کنند تا از صحت و اعتبار داده‌ها اطمینان حاصل شود. برای پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود متغیرهای دیگری مانند تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی، و حمایت اجتماعی به‌عنوان عوامل میانجی در رابطه بین تحمل پریشانی، تمایز یافتگی، و صمیمیت زناشویی بررسی شوند. همچنین پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیر تفاوت‌های فرهنگی، سبک‌های فرزندپروری، و الگوهای ارتباطی در خانواده‌های ایرانی بر نحوه تعامل زنان متأهل با خانواده همسر و میزان صمیمیت زناشویی را مورد بررسی قرار دهند در نهایت، بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد‌های کاربردی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی پیش از ازدواج، ارائه مشاوره به زوج‌هایی که با مشکلات مربوط به روابط با خانواده همسر مواجه هستند، آموزش مهارت‌های مدیریت هیجانات و افزایش تحمل پریشانی به افراد و ارتقای آگاهی عمومی در مورد اهمیت صمیمیت زناشویی و عوامل تأثیرگذار بر آن، می‌تواند در جهت بهبود کیفیت روابط زناشویی موثر باشد.

حامی مالی: تمام منابع مالی و هزینه پژوهش و انتشار مقاله تماماً بر عهده نویسندگان بوده و هیچ‌گونه حمایت مالی دریافت نشده است.

سهام نویسندگان: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در دانشگاه پیام نور است. نویسنده اول مسئولیت جمع‌آوری داده‌ها و نگارش اولیه مقاله را بر عهده داشته و همکاران نویسنده در تدوین موضوع و طرح اولیه، بررسی و تأیید ابزارها، نظارت بر روند اجرا، تحلیل آماری، و بازخوانی و نگارش نهایی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: هیچ‌گونه نویسندگان تعارض منافع توسط بیان نشده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- آرین فر، نیره و باقری حسین آبادی، وجیه. (۱۴۰۲). بررسی رابطه تمایز یافتگی خود و سبک‌های حل تعارض زوجین با نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در زنان متأهل شهر اصفهان. خانواده پژوهی. ۱۹(۳): ۴۱۴-۳۹۹.
https://jfr.sbu.ac.ir/article_104056.html
- اعتمادی، عذرا؛ رضایی، جواد. و احمدی، سمیه. (۱۳۹۳). صمیمیت و نقش آن در زندگی زناشویی. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- اعتمادی، عذرا؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، سیداحمد؛ و فرزاد، ولی‌اله. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگو تریپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره). ۵(۱۹)، ۲۲-۹.
<https://www.sid.ir/paper/70151/fa>
- پهلوانی مجدآبادی، محمد و محمودپور، عبدالباسط. (۱۴۰۱). تدوین مدل صمیمیت زناشویی بر اساس راهبردهای حفظ زوج، تحمل پریشانی با نقش میانجی ذهن‌آگاهی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۷(۳)، ۴۵-۶۲.
https://cwfs.ihu.ac.ir/article_207729.html
- تیمان، مریم؛ صفرزاده، سحر و فتحی، کیهان. (۱۴۰۳). آزمون مدل صمیمیت زناشویی بر اساس الگوی ارتباطی زوجین و سلامت خانواده اصلی با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود. روان‌پرستاری. ۱۲(۵)، ۱۵-۱. URL: <http://ijpn.ir/article-12489-1-fa.html>
- شهرویی، شهریار؛ کاظمیان مقدم، کبری؛ خلفی، علی و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۴۰۲). ارتباط صمیمیت زناشویی و رضایت از زندگی با میانجی‌گری عشق، سازگاری زوجی و رضایت زناشویی در کارکنان. دستاوردهای روان‌شناختی. ۳۰(۲): ۵۸-۳۷.
https://psychac.scu.ac.ir/article_18494.html?lang=fa
- چراغی، مونا. (۱۳۹۳). سبک‌های ارتباط با خانواده همسر در زوج‌های ایرانی و طراحی و ارزیابی اثربخشی بسته مداخله مبتنی بر فرهنگ در ازدواج تنظیم و کیفیت ارتباط با خانواده همسر، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمدعلی و موتابی، فرشته. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱۱(۱۳۲-۷).
https://jfr.sbu.ac.ir/article_96432.html
- خبازی، ملیحه؛ کیمیایی، سیدعلی؛ کارشکی، حسین و مشهدی، علی. (۱۴۰۱). ارزیابی الگوی معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر صمیمیت زناشویی زوجها در دوران عقد. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۱۲(۱)، ۱۰۲-۸۳.
https://cbs.ui.ac.ir/article_27006.html
- خجسته مهر، رضا؛ احمدی، احمد؛ سودانی، منصور و شیرالی‌نیا، خدیجه. (۱۳۹۴). اثربخشی مشاوره زناشویی تلفیقی کوتاه‌مدت بر صمیمیت عاطفی و کیفیت زناشویی زوجین. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. ۲(۲)، ۹۶-۷۹.
https://bjcp.ir/browse.php?a_id=896&sid=1&slc_lang=fa
- خزاعی، سمانه. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش تمایز یافتگی بر میزان صمیمیت و سطح تمایز یافتگی زوجها. رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم.
- رافضی، زهره و صبور، ریحانه. (۱۴۰۱). نقش مؤلفه‌های خودتمایز یافتگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی در زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۱۳(۵)، ۲۰۵-۱۸۱.
https://qccpc.atu.ac.ir/article_14237.html
- رمضانی فرد، مهرنوش. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباط با خانواده همسر در احساس مثبت به همسر و سطح امتزاج زوجین متعارض شهر زنجان پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4a29e17eb7786a3ff3be5570d89e59bb/fulltext>
- شاه‌نوش فروشانی، امیرحسین؛ جهانگیر، پانته‌آ و باصری، احمد. (۱۴۰۱). رابطه ساختاری هوش هیجانی و تمایز یافتگی خود با ثبات ازدواج: نقش میانجی‌گری صمیمیت زناشویی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۱۹(۱۳۶-۱۰۷).
https://esi.isu.ac.ir/article_76654.html
- شکیب، تارا. (۱۴۰۰). مقایسه آستانه تحمل پریشانی، صمیمیت زناشویی و رضایت جنسی در زوجین با و بدون اضطراب ویروس کرونا: مطالعه آنالین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ارومیه.
<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/909b468b-2e780d4e0a8675604b01d60d/fulltext>

- شهابی، شیفته؛ جنابادی، حسین و کرد تمینی، بهمن. (۱۴۰۰). مدل‌سازی ارتباط بین صمیمیت زناشویی و طراحواره‌های ناسازگار اولیه و تحمل پریشانی در افراد متأهل. *مطالعات ناتوانی*، ۱۱(۱)، ۹-۱. <https://www.sid.ir/paper/1029103/fa>
- عبدی، فاطمه و صادقی، فاطمه. (۱۴۰۳). رابطه تنظیم شناختی هیجان و صمیمیت زناشویی با کیفیت زندگی در زنان مبتلا به سرطان پستان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۸(۲)، ۱۷۲-۱۵۲. <https://doi.org/10.48308/apsy.2024.234640.1610>
- عزیزی، مجید و حاجی‌علیزاده، کبری. (۱۴۰۲). نقش تعدیل‌کننده خودتمایز یافتگی در ارتباط بین سوءرفتار هیجانی و سبک دلبستگی با رضایت زناشویی زوجین. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۱۹(۱)، ۵۸-۴۵. https://jfr.sbu.ac.ir/article_103249.html
- غنی‌پور اجرآباد، طاهره. (۱۴۰۱). پیش‌بینی صمیمیت زوجین بر اساس تمایز یافتگی خود و نقش میانجی تعهد زناشویی. *فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی*، ۱۲(۱۶)، ۱۱-۱. <https://jnip.ir/article-1-697-fa.html>
- فرهادی، افسون؛ صالحین، شهربانو؛ آقایان، شاهرخ؛ کرامت، افسانه و طالبی، سولماز. (۱۳۹۹). اثربخشی واقعیت‌درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب بر صمیمیت زناشویی و رضایت جنسی زنان تازه‌متأهل. *مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن‌سینا*، ۲۸(۲)، ۸۳-۹۲. URL: <http://nmj.umsha.ac.ir/article-fa.html>
- قاسمی، سیمین؛ عذرا اعتمادی و احمدی، سید احمد. (۱۳۹۴). رابطه تعاملات منفی زوجین و خانواده همسر با صمیمیت و تعارض زناشویی در زنان. *دو فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنابخشی خانواده*، ۱۱(۱)، ۱۳-۱. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24234869.1394.1.1.1.0>
- عسگرزاده، سونا، برهانی، زهرا، حجتی، محمدحسین، نیکی‌دستان، فاطمه و برادران، مجید. (۱۴۰۳). مقایسه تنهایی اجتماعی، باور به دنیای عادلانه و تعارض زناشویی در مادران کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه/بیش‌فعالی و مادران کودکان عادی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۴(۵۳)، ۹۲-۸۱. <https://doi.org/10.22034/spr.2024.423748.1876>
- کاظمی، نواب؛ نعمتی، لیدا؛ سیده‌یادگاری، لیبا؛ و عبدوس، فرزانه (۱۴۰۱). پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی در دانشجویان. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۲(۴۸)، ۱۱۶-۱۰۳. <https://doi.org/10.22034/spr.2023.357993.1776>
- محمودپور، عبدالباسط؛ دهقانپور، ثنا؛ یوسفی، ناصر و ایجادی، سحر. (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ذهن‌آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و بهزیستی اجتماعی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۸۳-۱۰۲. <https://doi.org/10.22034/spr.2020.228592.1463>
- صطفایی، نفیسه؛ خدادادی، جواد؛ درگاهی، شهریار و عظیمی، داریوش. (۱۴۰۰). پیش‌بینی کیفیت رابطه با خانواده همسر بر اساس صمیمیت زناشویی و سلامت خانواده اصلی. *نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۲). <https://www.sid.ir/paper/957336/fa>
- هالفورد، کیم (۱۳۹۵). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت (یاری به زوجها برای کمک به خودشان). ترجمه مصطفی تبریزی و مؤده کاردانی. تهران: فراوان.
- Al-Attar, G. S., & El-Gibaly, O. (2014). Is co-residence with mother-in-law affecting marital relationship quality in semi-urban Assiut, Egypt. *Population Association of America*. <https://paa2014.princeton.edu/papers/141104>
- Affram, A. A., & Osei-Tutu, A. (2023). Intimacy and self-disclosure in Ghanaian in-law relationships. *Journal of Family Studies*, 29(2), 875-892. <https://doi.org/10.1080/13229400.2021.2006751>
- Al-Attar, G. S., & El-Gibaly, O. (2014). Is co-residence with mother-in-law affecting marital relationship quality in semi-urban Assiut, Egypt. *Population Association of America*. <https://paa2014.princeton.edu/papers/141104>
- Azizi, A. R. (2010). Reliability and validity of the Persian version of distress tolerance scale. *Iranian Journal of Psychiatry*, 5(4), 154. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/22952509>
- Beyrami, M., & Azhideh, L. (2025). The effect of integrative couple therapy on improving marital satisfaction and marital intimacy in incompatible couples: An experimental study. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 13(1), 81-90. <https://doi.org/10.32598/jpcp.13.1.994.1>

- Beaulieu, N., Bergeron, S., Brassard, A., Byers, E. S., & Péloquin, K. (2023). Toward an integrative model of intimacy, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A prospective study in long-term couples. *The Journal of Sex Research*, 60(8), 1100-1112. <https://doi.org/10.1080/00224499.2022.2129557>
- Bryant, C. M., Conger, R. D., & Meehan, J. M. (2001). The influence of in-laws on change in marital success. *Journal of Marriage and Family*, 63(3), 614-626. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2001.00614.x>
- Brown, J., & Errington, L. (2024). Bowen family systems theory and practice: Illustration and critique revisited. *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*, 45(2), 135-155. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1002/anzf.1589>
- Calatrava, M., Martins, M. V., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-González, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical psychology review*, 91, 102101. <https://doi.org/10.1016/j.cpr.2021.102101>
- Cevheroğlu, B. A., & Tutarel-Kışlak, Ş. (2023). Spouse and mother-in-law rejection and marital adjustment of Turkish women with child and adult marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 40(5), 1554-1578. <https://doi.org/10.1177/02654075221129833>
- Cohen, J. E. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc. <https://books.google.com>
- Danışman, G. T. (2022). *Marriage and mother-in-law/father-in-law relationships: Perceived social support, emotional closeness and marital satisfaction* (Master's thesis). Retrieved from <https://eresearch.ozyegin.edu.tr/handle/10679/7688>
- Dionisi, A. M., & Barling, J. (2015). Spillover and crossover of sex-based harassment from work to home: Supervisor gender harassment affects romantic relationship functioning via targets' anger. *Journal of Organizational Behavior*, 36(2), 196-215. <https://doi.org/10.1002/job.1969>
- Doorley, J. D., Kashdan, T. B., Alexander, L. A., Blalock, D. V., & McKnight, P. E. (2019). Distress tolerance in romantic relationships: A daily diary exploration with methodological considerations. *Motivation and Emotion*, 43, 505-516. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s11031-019-09751-3>
- Falk, R. F., & Miller, N. B. (1992). *A primer for soft modeling*. University of Akron Press. https://www.researchgate.net/publication/232590534_A_Primer_for_Soft_Modeling
- Fingerman, K. L., Gilligan, M., VanderDrift, L., & Pitzer, L. (2012). In-law relationships before and after marriage: Husbands, wives, and their mothers-in-law. *Research in Human Development*, 9(2), 106-125. <https://doi.org/10.1080/15427609.2012.680843>
- Finzi-Dottan, R. (2023). The role of fear of intimacy as mediator between self-differentiation and marital relationship satisfaction: A dyadic model. *The Family Journal*, 31(3), 392-398. <https://doi.org/10.1177/10664807231163254>
- Fiori, K. L., Rauer, A. J., Birditt, K. S., Brown, E., & Orbach, T. L. (2020). You aren't as close to my family as you think: Discordant perceptions about in-laws and risk of divorce. *Research in Human Development*, 17(4), 258-273. <https://doi.org/10.1080/15427609.2021.1874792>
- Gavins, S. A. (2022). *The Tie that Binds: An Analysis of a Son's Autonomy from His Mother and Its Impact on the Marital, and Mother-In-Law and Daughter-In-Law Relationship* (Doctoral dissertation, Northcentral University).
- Gurung, S. K., Chapagain, R., & Sharma, S. (2023). Exploring the lived experiences of marital intimacy among Nepali married couples: A transcendental phenomenological Approach. *Asian Journal of Population Sciences*, 17-36. <http://dx.doi.org/10.3126/ajps.v2i1.51088>
- Hatfield, E., & Rapson, R. L. (1993). *Love, sex, and intimacy: Their psychology, biology, and history*. HarperCollins College Publishers.
- Javdivala, Z., Allahverdipour, H., Kouzekanani, K., Merghati-Khoei, E., Asghari Jafarabadi, M., & Mirghafourvand, M. (2019). A randomized controlled trial on the effectiveness of a relationship-enhancement approach in improving marital intimacy among middle-aged Iranian couples. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 45(3), 190-200. <https://doi.org/10.1080/0092623x.2018.1501447>

- Jeon, S. (2020). Influence of Subsystem between Parent-in-law and Children-in-law on Marital Adjustment in Marital Subsystem. *Human Ecology Research*, 58(3), 417-428. <https://doi.org/10.6115/fer.2020.030>
- Kamali, Z., Allahyar, N., Ostovar, S., Alhabshi, S. M. S. B. S. M., & Griffiths, M. D. (2020). Factors that influence marital intimacy: A qualitative analysis of Iranian married couples. *Cogent Psychology*, 7(1), 1771118. <https://doi.org/10.1080/23311908.2020.1771118>
- Kardan-Souraki, M., Khani, S., Hamzehgardeshi, Z., & Mohammadpour, R. A. (2018). Socio-demographic factors predicting marital intimacy in a sample of Iranian couples: A cross-sectional study. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(3), e9023. <https://doi.org/10.5812/IJPBS.9023>
- Kuster, M., Bernecker, K., Backes, S., Brandstätter, V., Nussbeck, F. W., Bradbury, T. N., ... & Bodenmann, G. (2015). Avoidance orientation and the escalation of negative communication in intimate relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 109(2), 262. <https://doi.org/10.1037/pspi0000025>
- Kratovic, L., Smith, L. J., & Vujanovic, A. A. (2021). PTSD symptoms, suicidal ideation, and suicide risk in university students: The role of distress tolerance. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 30(1), 82-100. <https://doi.org/10.1080/10926771.2020.1762370>
- Jeon, S. (2020). Influence of Subsystem between Parent-in-law and Children-in-law on Marital Adjustment in Marital Subsystem. *Human Ecology Research*, 58(3), 417-428. <https://doi.org/10.6115/fer.2020.030>
- La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology/Psychologies canadienne*, 49(3), 201-209. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0012760>
- Li, X., Zhao, Z., Johnson, M., & Fang, X. (2023). Intergenerational relationships and marriage in China: Within-family longitudinal associations and between-family differences. *Personal Relationships*, 30(2), 501-521. <https://doi.org/10.1111/per.12476>
- Mohammadi, M., & Alibakhshi, S. Z. (2021). The effectiveness of the self-differentiation training based on the Bowen theory on marital satisfaction. *Journal of Research and Health*, 11(5), 333-340. <http://dx.doi.org/10.32598/JRH.11.5.1574.1>
- Marker, N. (2025). A strained relationship with the mother-in-law: Can it affect a woman's marital satisfaction? *International Journal of Neurolinguistics & Gestalt Psychology*, 5(1), 8. <https://doi.org/10.52522/ijngp.v5i1.8>
- Neff, L. A., & Karney, B. R. (2004). How does context affect intimate relationships? Linking external stress and cognitive processes within marriage. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30(2), 134-148. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0146167203255984>
- Nezamalmolki, M., Bahrainian, S. A., & Shahabizadeh, F. (2024). Effectiveness of Integrative Couple Therapy on Sexual Function, Marital Intimacy, and Impulsivity in Women Affected by Marital Infidelity. *Journal of Research in Counseling and Psychotherapy*, 6(2), 3. <http://dx.doi.org/10.61838/kman.jarac.6.2.3>
- Pagente, A. L. (2023). Social construction of a mother-in-law and daughter-in-law relationship: a case study perspective. *Science International*, 35(6), 815-818.
- Pasley, K., Ihinger-Tallman, M., & Coleman, C. (1984). Consensus styles among happy and unhappy remarried couples. *Family Relations*, 33(3), 451-457. <https://doi.org/10.2307/584716>
- Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: a self-determination theory perspective. *Journal of personality and social psychology*, 92(3), 434-457. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.92.3.434>
- Peleg, O., Cohen, O., & Katz, R. (2021). Differentiation of self and marital satisfaction during the COVID-19 pandemic: The mediating role of coping strategies. *Journal of Family Psychology*, 35(6), 825-834. <https://doi.org/10.1037/fam0000867>
- Pengpid, S., Peltzer, K., & Anantanasuwong, D. (2024). Marital status, marital transition and health behaviour and mental health outcomes among middle-aged and older adults in Thailand: A national longitudinal study. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 117, 105196. <https://doi.org/10.1016/j.archger.2023.105196>

- Pietromonaco, P. R., & Overall, N. C. (2024). How sociocultural contexts may shape the impact of the COVID-19 pandemic on couples' relationships. *Journal of Family Theory & Review*, 16(1), 72-86. <https://doi.org/10.1111/jftr.12523>
- Polenick, C. A., Seidel, A. J., Birditt, K. S., Zarit, S. H., & Fingerman, K. L. (2017). Filial obligation and marital satisfaction in middle-aged couples. *Gerontologist*, 57(3), 417-428. <https://doi.org/10.1093/geront/gnv138>
- Rauf, U., Fatima, H., & Mushtaq, M. (2023). Distress tolerance, mental health problems and marital satisfaction among married couples. *Pakistan Journal of Social Research*, 5(01), 559-567. <http://dx.doi.org/10.52567/pjsr.v5i01.1377>
- Reis, H. T. (2017). The interpersonal process model of intimacy: Maintaining intimacy through self-disclosure and responsiveness. In *Foundations for Couples' therapy* (pp. 216-225). Routledge.
- Prager, K. J., & Buhrmester, D. (1998). Intimacy and need fulfillment in couple relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(4), 435-469. <http://dx.doi.org/10.4324/9781315678610-22>
- Samadaee-Gelehkolae, K., McCarthy, B. W., Khalilian, A., Hamzehgardeshi, Z., Peyvandi, S., Elyasi, F., & Shahidi, M. (2015). Factors associated with marital satisfaction in infertile couple: A comprehensive literature review. *Global journal of health science*, 8(5), 96. <https://doi.org/10.5539/gjhs.v8n5p96>
- Sandín Ferrero, B., Simons, J. S., Valiente García, R. M., Simons, R. M., & Chorot Raso, P. (2017). Psychometric properties of the Spanish version of the Distress Tolerance Scale and its relationship with personality and psychopathological symptoms. *Psicothema*, 29(4), 616-622. <https://doi.org/10.7334/psicothema2017.126>
- San Leong, M., & Juhari, R. (2021). Positive and Negative Interactions between Mother-in-law and Daughter-in-law: What about Son-in-law?. *Malaysian Journal of Social Sciences and Humanities (MJSSH)*, 6(5), 84-94. <https://doi.org/10.47405/mjssh.v6i5.778>
- Santos, J. D., & Levitt, M. J. (2007). Intergenerational relations with in-laws in the context of the social convoy: Theoretical and practical implications. *Journal of Social Issues*, 63(4), 827-843. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00349.x>
- Serewicz, M. C. M., Hosmer, R., Ballard, R. L., & Griffin, R. A. (2008). Disclosure from in-laws and the quality of in-law and marital relationships. *Communication Quarterly*, 56(4), 427-444. <https://doi.org/10.1080/01463370802453642>
- Simons, J. S., & Gaher, R. M. (2005). The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*, 29(2), 83-102. <https://doi.org/10.1007/s11031-005-7955-3>
- Skowron, E. A., Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29(2), 209-222. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01200.x>
- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 31(1), 3-18. <https://doi.org/10.1007/s10591-009-9081-3>
- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2020). A meta-analysis of differentiation of self and relationship functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 46(4), 731-748. <https://doi.org/10.1111/jmft.12448>
- Shahrokhi, S., Faramazi, M., & Gholinia, H. (2024). Role of Personality Traits in Predicting Newlywed Intimacy and Relationship Quality. *International Journal of Systemic Therapy*, 35(4), 360-372. <https://doi.org/10.1080/2692398X.2024.2332829>
- Smith, T. W. (2019). Relationships matter: progress and challenges in research on the health effects of intimate relationships. *Psychosomatic Medicine*, 81(1), 2-6. <https://doi.org/10.1097/PSY.0000000000000660>
- Tabachnic, B., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics*. 5th Edition. *Allyn and Bacon*.
- Tavakol, Z., Moghadam, Z. B., Nasrabadi, A. N., Salehiniya, H., & Rezaei, E. (2017). A review of the factors associated with marital satisfaction. *Galen medical journal*, 6(3), e641-e641. <https://doi.org/10.31661/gmj.v6i3.641>

- Vinokur, A. D., Price, R. H., & Caplan, R. D. (1996). Hard times and hurtful partners: how financial strain affects depression and relationship satisfaction of unemployed persons and their spouses. *Journal of personality and social psychology*, 71(1), 166. <http://dx.doi.org/10.1037/0022-3514.71.1.166>
- Waring, E., McElrath, D., Lefcoe, D., & Weisz, G. (1981). Dimensions of intimacy in marriage. *Psychiatry*, 44(2), 169-175. <https://doi.org/10.1080/00332747.1981.11024102>
- Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS Quarterly*, 177-195. <https://www.jstor.org/stable/20650284>. <https://doi.org/10.2307/20650272>
- Williamson, H. C., Hanna, M. A., Lavner, J. A., Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (2013). Discussion topic and observed behavior in couples' problem-solving conversations: Do problem severity and topic choice matter? *Journal of Family Psychology*, 27(2), 330-335. <https://doi.org/10.1037/a0031534>

